

فرهنگ

اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های جانوری

در زبان فارسی

مؤلف

کامیاب خلی



قصیده سرا



قصیده سرا

تلفن: ۶۶۵۱۷۷۲۳

فرهنگ اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های

جانوری در زبان فارسی

مؤلف: کامیاب خلیلی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: زهرا عزیزی

تصویرگر: مهری ابراهیمی ۰۹۱۲۲۱۳۰۲۸۰

چاپ اول: ۱۳۹۵

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

پست الکترونیک: ghasidehsare@gmail.com



انتشارات آشین

مرکز پخش: ۶۶۵۳۷۷

سرشناسه	:	خلیلی، کامیاب، ۱۳۱۳
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگ اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های جانوری در زبان فارسی / کامیاب خلیلی
مشخصات نشر	:	تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۴
مشخصات ظاهری	:	ص ۱۹۲
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۸-۵۶-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فهرست‌نویسی قبلی
یادداشت	:	فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا
موضوع	:	حیوان‌ها در ادبیات
موضوع	:	ضرب‌المثل‌های فارسی
رده‌بندی کنگره	:	۸ خ ۹ ج / ۴۰۰۹ PIR
رده‌بندی دیویی	:	۸/۸۳۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۵۱۸۳-۴۵۸۴ م

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۱
اسامی جانوران	۱۷
اجزاء، اعضاء، فضولات	۲۰
اسامی و صفات ترکیبی و عبارات ناقص	۲۱
مشقات و ترکیبات از اسامی جانوران و اجزاء و اصوات آنها	۲۱
تشبیهات	۲۵
تشبیهات ترکیبی	۳۹
آهو	۳۹
اسب	۳۹
باز	۳۹
بره	۳۹
بز	۴۰
پرستو	۴۰
پشه	۴۰
جوجه	۴۰
حواصل	۴۰
خر	۴۰
خرچنگ	۴۱
خرس	۴۱
خروس	۴۲

۴۲	روباه
۴۲	زاغ
۴۲	زنبور
۴۲	سگ
۴۴	سوسک
۴۴	شن
۴۴	شتر
۴۵	شیر
۴۵	طاوس
۴۵	طلوطی
۴۵	عقاب
۴۶	عقرب
۴۶	عنکبوت
۴۶	غاز
۴۶	غراب
۴۶	فیل
۴۶	قاطر
۴۷	کبوتر
۴۷	کبک
۴۷	کرگدن
۴۷	کزدم
۴۷	کرم
۴۸	کلاغ

۴۸	کنه
۴۸	گاو
۵۰	گراز
۵۰	گره
۵۰	گرگ
۵۰	گورخر
۵۰	گزن
۵۲	گرسال
۵۲	گرسفند
۵۲	گنجشک
۵۲	مار
۵۳	ماهی
۵۳	مرغ
۵۳	مور، مورچه
۵۴	موش
۵۵	تشبیهات: اجزاء و فضولات
۵۷	ترکیبات فعلی (بامصدر)
۵۷	آهو
۵۷	اسب
۵۸	استر
۵۸	افسار
۵۹	انگل
۵۹	بره

۵۹	بز
۵۹	بلبل
۶۰	پالان
۶۰	پر، پرنده، بال
۶۱	بشکل
۶۱	پشه
۶۱	پسنگ
۶۱	پوستن
۶۲	پهن
۶۲	پیه
۶۲	تخم مرغ
۶۲	تور
۶۲	جفتک
۶۳	جوجه
۶۳	جیک
۶۳	خر
۶۸	خرس
۶۸	خرگوش
۶۸	خروس
۶۸	دم - دنبه
۷۰	روباه
۷۰	زالو
۷۰	زنبور

۷۰	زهر
۷۲	سگ
۷۴	شاخ
۷۵	شپش، کک
۷۵	شتر
۷۶	شغال
۷۶	ش
۷۷	طایطی
۷۷	طایله
۷۸	عرعر
۷۸	عقرب
۷۸	غاز، قو، اردک
۷۸	فیل
۷۸	کبک
۷۹	کیوتر
۷۹	کرم
۸۰	کیش
۸۰	گاو
۸۱	گره
۸۲	گرم
۸۳	گنجشک
۸۳	گوساله
۸۳	گوسفند، میش

۸۴	مار، افعی
۸۵	ماهی
۸۵	مرغ
۸۵	مگس، خرمگس، ملخ
۸۵	مور، مورچه
۸۶	موش
۸۷	میمون
۸۸	نعل
۸۸	نیش
۸۸	وز وز
۸۸	وغ
۸۸	یابو
۸۸	یال و کویال
۸۹	کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها
۸۹	آهو
۹۰	آخور، گله، جانور، طویله - حیوان، توبره
۹۲	اسب
۹۵	بز، بزغاله
۹۷	بط
۹۷	بلبل
۹۸	پشه، مگس، زنبور، خرمگس، سوسک
۱۰۰	تخم، تخم‌مرغ
۱۰۱	جوجه، کتره

۱۰۲	خر
۱۲۲	خرس
۱۲۳	خروس
۱۲۵	دُم، شاخ، دنبه، پر
۱۲۶	روباه، شغال
۱۲۸	سگ
۱۳۸	شپش، کک
۱۳۹	شار
۱۴۲	شیر، ببر، پلنگ
۱۴۵	طاووس
۱۴۶	طوطی
۱۴۶	عقاب، عنقا
۱۴۷	عنکبوت
۱۴۷	غاز، اردک، مرغابی
۱۴۸	فیل
۱۴۹	قاطر
۱۴۹	قورباغه، وزغ
۱۵۰	کبوتر، کبک، پرستو، ابابیل
۱۵۱	کرم
۱۵۱	کژدم، عقرب
۱۵۲	کفتار
۱۵۲	کلاغ، زاغ، عقاب، باز، کرکس، غراب
۱۵۴	کنه

۱۵۴	گاؤ، گوساله
۱۵۹	گربه
۱۶۲	گرگ
۱۶۷	گنجشک
۱۶۹	گوسفند، میش، قوچ
۱۷۰	لاک، پشم، پوست، سم، زین، بار، نیش، پالان، پشگل، تپاله، پهن، پوستین
۱۷۰	پیه، شاخ، ده
۱۷۳	مار، فعی
۱۷۶	ماهی، نهنگ، خرچنگ، صدف
۱۷۸	مرغ، شترمرغ
۱۸۲	ملخ
۱۸۲	مور، مورچه، موریانه
۱۸۴	موش
۱۸۵	موش کور
۱۸۵	میو، عرعر، پارس، جیک جیک
۱۸۶	میمون، افتر (عنتر)، بوزینه
۱۸۶	نعل
۱۸۷	یابو
۱۸۸	منابع مورد استفاده

پیشگفتار

بر آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد^۱

سعدی

انسانها، در طی تاریخ، رفتار، صفات، عادات، نتیجه اعمال و حتی شکل ظاهر خود را به جانوران، نسبت داده‌اند. اما با گذشت زمان یا به دلیل تکرار، آن نسبت‌ها به صورت باورهای مردم نمودار می‌شود و از آنها؛ ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، تشبیه‌ها، مقایسه‌ها، پندها، مزاح‌ها، ناسزاها ساخته می‌شوند. مثالی بیاوریم:

به تصور مردم، حیل‌گر است و روبهی، حیل‌گری کردن، درست است که در اصول اخلاق انسانی، حیل‌گری یا فریبکاری، برخلاف اخلاق نیک و از خصال نکوهیده است. اما مردم را با حیل‌گری چه مناسبت است^۲ چون رفتار جانوران طبیعی و غریزی است (آسان تنها جانوری است که عقل دارد). آنچه ما (انسانها) حیل‌گری روباه فرض می‌کنیم؛ فقط شیوه‌های شکار این جانور برای ادامه حیات و یا روش‌های فرار برای اجتناب از خطر است.

مثال دیگر: گرگ جانور وحشی درنده‌تر از گاو و از درندگان است. گرگ جانوری است گوشتخوار، دارای سر بزرگ و آرواره‌های بسیار قوی، دندان‌های بزرگ و تیز و برنده. گاه چندین روز گرسنگی را تحمل می‌کند چون به گونه‌ای غریزی علاقه خانوادگی میان گرگ‌ها بسیار قوی است. تمام عمر خانواده گرگ‌ها با هم به سر می‌برند و برای

۱- مثالی از مقایسه صفات انسانی با نباتات است. وگرنه نخل کریم نیست، فقط میوه می‌دهد. سرو

هم آزاد نیست پای بند خاکبست که دل از آن کندن نمی‌تواند.

۲- ... که موجب چندین مخالفت است. (سعدی)

توله‌هایشان که تعدادشان نیز زیاد است پس از شیرخوارگی غذا یعنی گوشت تازه تهیه می‌کنند و چون مانند انسان جانوری وسیله‌ساز نیست تا کارد و خنجر برای سر بریدن و ذبح کردن تهیه کند یا آماده سازد، پس از دندان‌هایش با فشار و قدرت آرواره برای دریدن صید که غالباً گوسفند است استفاده می‌کند. اما گریه گریه را نمی‌خورد حتی اگر گرسنه باشد و یا برای انتقام جویی و ایجاد ترس و وحشت، گریه را نمی‌کشد. کاربرد صفتی گریه هم معروف است. وقتی به کسی می‌گویند مثل گریه است یعنی بسیار شیطان و زیرک. ناقله... فلان کس گریه از آب درآمد که دست صد چون من و تو را از پشت می‌زند با این حال انسان‌ها وقتی دست خویش را باز می‌کنند که: - با گریه دبی می‌خورند و با چوپان گریه می‌کنند یعنی شریک دزد و رفیق قافله‌اند!

شنیدم گوسفندی را بزرگ
شبانگه کارد بر حلقش بمالید
نهاده^۲ گوسفند از وی بنالید
که از چنگال گرگم در ربودی

امثال و حکم^۳ جانوری را می‌توان عموماً به سه گروه زیر تقسیم نمود:
گروه نخست بازتاب رفتارها و صفات طبیعی و غریزی جانوران در امثال و

۱- رک ص ۱۲۳۲ کتاب فرهنگ عامیانه ۲- روان گوسفند...

۳- به کار بردن اصطلاح امثال و حکم دربرگیرنده همه مثل‌ها و اصطلاحات و... نیست زیرا اصطلاحات متداول طیف گسترده‌ای را از مقایسه‌ها، تشبیه‌ها، صفات، پندها، ضرب‌المثل‌ها و غیره را تشکیل می‌دهد اما چون نمی‌توان نامی دیگر را جایگزین آن نمود به علاوه اصطلاح فوق متداول شده است. در این صورت پذیرفتن اصطلاح فوق و تعمیم آن به همه اصطلاحات کار نامگذاری را آسان می‌سازد.

حکم است بیشتر آنها نیز از روی مشاهده رفتار غریزی جانوران در مقایسه با رفتار انسانی و یا قراردادهای اخلاقی انسان‌ها در جامعه ساخته شده است: حيله‌گری روباه، دزدی گربه، دلیری شیر، کبر پلنگ، درندگی و ناقلایی گرگ و زیرکی و چابکی و رندی و ریاکاری مارمولک، کینه شتری و غیره... برخی نیز بستگی به شکل ظاهری جانور دارد: میمون، انتر...

گروه دوم زاینده تخیلات خود انسان درباره جانوران است مانند: خواب دیدن شتر و رؤیای پنبه‌دانه و یا قاطر چموشی که برای زیان رساندن به صاحبش خود را به قعر دره پرت می‌کند.

گروه سوم از روی بازتاب‌های شرطی^۱ جانوران ساخته شده است. شرطی کردن جانوران از زمان باستان با اهلی کردن جانوران آغاز می‌شود تحت تأثیر و دخالت خود انسان صورت گرفته است. بازی کردن جانوران در سیرک یا رقصاندن برخی از حیوانات مانند شتر نیز به علت شرطی کردن آنهاست.

ضرب‌المثل معروف، چرب را نه بر می‌داری گربه دزده خبر می‌شود (یا فرار می‌کند) مثال روشنی از شرطی کردن گربه است. ناگفته نگذاریم گربه رابطه‌ای میان برداشتن چوب و ربودن گوشت نمی‌داند و غالباً نیز بی‌آنکه گوشت را ربوده باشد به محض بلند کردن چوب می‌گریزد.

رقص شتر که یکی از تفریحات بسیار قدیمی اعراب بوده است بی‌آنکه خود این اعراب بدانند که از کاشفان بسیار قدیم (لا اقل پیراگراف) بازتاب

۱- اصطلاح بازتاب شرطی نخستین بار پس از تجربه معروف ایوان پاولف بر روی سگ معروف به سگ پاولف) متداول گردید. پاولف تحقیقات آزمایشگاهی خود را با سگ‌ها انجام می‌داد و متوجه شد محرک‌هایی که با غذا همراه می‌شوند مثل خود غذا موجب تراوش غدد بزاقی سگ می‌شوند. این تجربه او منجر به کشف بازتاب شرطی شد (ر.ک ص ۱۸۹، اصول روانشناسی مان، صناعی).

شرطی هستند معمول گردیده است؛ به این ترتیب که: چهار سینی داغ زیر چهارپای شتر قرار داده و بوق و دهل را به صدا در می‌آورند پس از چندبار تکرار هرگاه بوق و دهل را بدون سینی‌های داغ به صدا درآورند شتر به رقص درمی‌آید. البته این تصویری است که اعراب بادیه‌نشین دارند و گرنه بیچاره شتر فقط چهارپای خود را یکی پس از دیگری از زمین بلند می‌کند.

شک نیست که گاه نیز سرخوردگی‌ها و نومیدی‌ها از بی‌عدالتی‌های جامعه انسان را از تنفر نسبت به جامعه به نفی وجود خود انسان می‌کشاند. در این حال آدم به نظر دیوان و ددان بی‌رحم، گرگان و سگان درنده‌خوی، روبهان و شغالان بی‌رحم، حیوانات بی‌مقدار، گوسفندان فرمانبردار، گاوان و خران نادان می‌رسند.

دیوژن فیلسوف بدبین یونانی، روز روشن با فانوس در شهر آتن به جستجوی انسان می‌پرداخت.
دی شیخ با چراغ همی گشت گشتگر
کز دو و دد ملولم و انسانم آرزوست

ابوالعلائی مصری فیلسوف نابینای عرب می‌گفت: من نمی‌بینم!
شاعر بزرگ و جهان‌دیده چون حکیم ناصرخسرو بادیانی که قصیده معروفش زبانزد شعرشناسان است:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن ز سر این خیره‌بری را...
بسوزند چوب درختان بی‌بر سزاخواهی این است مری‌بری را...
تو با قید بی‌اسب پیش سواران نباشی سزاوار جز چاکری را

به جرم بیان عقیده‌اش مورد آزار قرار گرفته و متواری شد. خود او گوید همه جا در زندان تنگ، سخت گرفتار و تنها و پریشان مانده بود. در این حال قصیده‌ای می‌سراید که ظاهراً صورت‌های فلکی نیز در آن درج است:

که کرد این گنبد پیروزه پیکر
چه‌اند این لشکر تا زنده هموار
جهان دلفریب ناوفادار
بشوریدم دل از شوریده گیتی
همی دانم که جور است این ولیکن
سپهری بینم و سیارگانی
همه کدم وش و خرچنگ کردار
ز گاه ر کشم و خرچنگ و ماهی

چنین بی‌روزن و بی‌بام و بی در
که‌اند این هفت سالاران لشکر
سپهر زشتکار خوب منظر
بگردیدم سر از گردنده اخگر
ندانم ز آسمان یا ز آسمانگر
به صورت‌های گوناگون مصور
گوزن شیر چهر و گاو پیکر
نیاید کار کردن زین نکوتر

مع‌هذا سعدی اندرز جاودانی دارد که مناعت طبع انسانی و حقارت خوی
جانوری را عیان می‌سازد:

سگی پای صحرا نشینی میرید
شب از درد بیچاره خوابش نبرد
پدر را جفا کرد و تنندی نمود
پس از گریه مرد پراکنده روز
مرا گرچه هم سلطنت بود و بیش
محال است اگر تیغ بر سر خورم
توان کرد با ناکسان بدرگی

به خشمی که زهرش ز دندان چکید
به خیل اندرش دختری بود خرد
که آخر تو را نیز دندان نبود؟
بخندید کای مامک دلفروز
درین آمدم کام و دندان خویش
که دندان به پای سگ اندر برم
ولیکن نه از مردم سگی

تهران، ۱۳۸۱

دکتر کامران حلیلی